

بسم الله الرحمن الرحيم

نتیجه بررسی بیانات رهبر با جست‌وجو کلیدواژه‌های مسلمان، فطری، فطرت و تبلیغ و بررسی کامل بیانات سالهای ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳

۱. بیانات در مراسم اختتامیه مسابقات حفظ و قرائت قرآن کریم^۱

اگر ملتی بتواند از طریق انس با قرآن، خود را در فضای قرآنی قرار دهد، در فضای معرفتی قرآن قرار دهد، خواهد توانست مشکلات خود را برطرف کند. مشکل بزرگ مسلمانان دنیا دوری از قرآن است؛ علاج هم برگشت به قرآن است. راه نجات همه ملت‌های دنیا نزدیکی به اسلام و به قرآن است. راه نجات فلسطین نیز همین است. شما ببینید؛ پنجاه سال است که یک حکومت غاصب در کشور فلسطین تشکیل شده است. در طول این مدت، مبارزاتی هم انجام گرفت، لیکن به نهایت نرسید. چرا؟ چون در این مبارزات، دین خدا، ایمان اسلامی و حکم قرآنی ملاک نبود.

امروز مکتب‌های فلسفی و مکتب‌های معرفتی دنیا، در کار بشریت درمانده‌اند. باور کنید مکاتب اجتماعی دنیا در کار انسان درمانده‌اند و راه پیدا نمیکنند. آن مارکسیسم بود که آن طور شکست خورد و نابود شد. مکاتب غربی نیز همین طورند؛ درمانده‌اند. دلیل درماندگی‌شان این است که در غرب علم هست، پول هست، قدرت نظامی هست؛ سعادت نیست؛ سکینه و طمأنینه نیست؛ آرامش معنوی نیست. پس آن نسخه، نسخه ناکامی است؛ نسخه شکست‌خورده‌ای است. اما قرآن و آیین اسلام، به انسان، هم علم میدهد، هم رفاه میدهد، هم عزت میدهد، هم سکینه میدهد: «هو الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُزَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ»؛ «فانزل الله سكينته على رسوله و على المؤمنين و الزمهم كلمة التقوى». علاوه بر لذت دنیوی، رفاه مادی و قدرت علمی، سکینه و طمأنینه میدهد و آرامش میبخشد؛ و این در تاریخ تجربه شده است؛ امروز هم قابل تجربه شدن است. در ایران اسلامی، ما یک قدم کوچکش را برداشتیم؛ آثارش را هم مشاهده کردیم؛ برکاتش را هم دیدیم؛ و هرچه جلوتر برویم، بیشتر خواهد شد. امروز علاج امت اسلامی این است؛ مقدمه و صراط مستقیمش همین قرآن کریم است.

۲. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن | خلاصه جلسه چهاردهم: فلسفه نبوت^۲

دانش بشری برای هدایت کافی نیست

^۱ <https://khl.ink/f/3032>

^۲ <https://khl.ink/f/45578>

۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث^۳

عید مبعث از این جهت بزرگترینِ خاطره‌های تاریخی ماندگار است که یک مقطع فوق‌العاده حساسی را در تاریخ بشر به وجود آورده است و بر بشریت یک مسیر و راهی را عرضه کرده است که اگر آحاد بشر در این راه حرکت کنند، همه‌ی خواسته‌های **فطری** و طبیعی و مطلوب‌های تاریخی طبیعی بشریت برآورده خواهد شد. در طول تاریخ که نگاه کنید، بشریت از نبود عدالت مینالیده است. یعنی عدالت، خواسته‌ی بزرگ همه‌ی آحاد بشر در طول تاریخ است. امروز اگر کسی پرچم عدالت را به دست بگیرد، در حقیقت یک خواسته‌ی تاریخی طولانی طبیعی فطری انسان را مطرح کرده است. آئین اسلام، حرکت اسلام، بعثت نبی مکرم، در وهله‌ی اول و جزو فهرست اولین هدف‌ها، به دنبال عدالت است؛ مثل همه‌ی پیغمبران دیگر. یک خواسته‌ی مهم بزرگ اساسی دیگر بشر، صلح و امنیت و آرامش است. انسان‌ها برای زندگی، برای پرورش فکر، برای پیشرفت عمل، برای آسایش روان، احتیاج دارند به آرامش، به محیط و فضای امن و آرام؛ چه در درون خودشان، چه در محیط خانواده، چه در محیط جامعه، چه در محیط بین‌الملل. آرامش و امنیت و سلامت و صلح، یکی از خواسته‌های اساسی بشر است. اسلام پیام‌آور امنیت و صلح و سلامت است. اینکه ما به تبع قرآن و با تعلیم قرآن می‌گوئیم اسلام دین فطرت است، یعنی این. آن راهی را که اسلام در مقابل بشر می‌گذارد، راه فطرت است؛ راه برآوردن نیازهای **فطری** انسان است. با این جامعیت، با این دقت، با این اهتمام، بعثت پیغمبر اکرم از سوی پروردگار عالم به وجود آمد و فلاح بشریت را به او وعده و مژده داد؛ «بشیرا و نذیرا». بشارت، در درجه‌ی اول، بشارت به همین زندگی آرام، زندگی همراه با عدالت، زندگی متناسب با ساخت بشر است. البته دنبال این هم، بشارت ثواب الهی است که مربوط به زندگی دائم انسان است. لذا بعثت پیغمبر در واقع بعثت رحمت است. با این بعثت، رحمت الهی شامل حال بندگان خدا شد؛ این راه، جلوی انسانها باز شد؛ عدالت را مطرح کرد، امنیت و سلامت را مطرح کرد؛ «قد جائکم من الله نور و کتاب مبین. یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام و یخرجهم من الظلمات الی النور». با این دستورها، با این تعلیم، پیغمبر اکرم راه‌های سلامت را، راه‌های امنیت را به انسانها نشان داد. این سبیل سلام - راه‌های امان، راه‌های آرامش، راه‌های امنیت - مربوط به همه‌ی محیطهائی است که برای انسان اهمیت دارد؛ از محیط درونی قلبی انسان بگیرید تا محیط جامعه، محیط خانواده، محیط کسب و کار، محیط زندگی جمعی، تا محیط بین‌المللی. این آن چیزی است که اسلام به دنبال آن است.

آنچه که در اسلام به عنوان هدف دشمنی معرفی شده است، دقیقاً عبارت است از آن نقاطی که با این خطوط اصلی زندگی بشر در معارضه هستند. کسانی که با عدالت مخالفند، کسانی که با صلح و امنیت و آرامش مخالفند، کسانی که با صفا و روح مصفا و متعالی انسانی مخالفند، اینها نقطه‌ی مقابل دعوت پیغمبرند. برای عدالت است که خدای متعال جهاد را بر مسلمانان واجب کرده است. مخصوص اسلام هم نیست؛ جهاد در همه‌ی ادیان الهی وجود داشته است. آن کسانی مقابل دعوتند که با آسایش مردم، با آرامش مردم، با آسایش جامعه، با

^۳ <https://khl.ink/f/9714>

تعالی جامعه مخالفت و معارضة میکنند و دشمن منافع انسانها هستند؛ این همان نقطه‌ای است که اسلام آن را هدف قرار میدهد.

۴. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی^۴

امیرالمؤمنین درباره‌ی عِلّت بعثت پیامبران، جمله‌ای در نهج‌البلاغه‌ی شریف دارد که خیلی باید درباره‌ی آن تأمل کرد؛ میفرماید: لَيْسَتْ أَدْوُهُمْ مِثَاقَ فِطْرَتِهِ؛ پیامبران انسانها را وادار میکنند به اینکه آن معاهده‌ی فطری را که در نهاد بشر نهاده شده است عمل کنند، اعتراف کنند به آن معاهده؛ خدای متعال از بشر خواسته است که آزاد باشد، با عدالت زندگی کند، با صلاح زندگی کند، بندگی غیر خدا را نکند. لَيْسَتْ أَدْوُهُمْ مِثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يَذْكُرُوهُمْ مَنْسَى نِعْمَتِهِ؛ نعمت فراموش شده را به یاد انسانها بیاورند؛ این نعمتهای الهی. ما از نعمت وجود، نعمت سلامت، نعمت خرد، نعمت خُلُقِیّات نیکویی که خدای متعال در نهاد انسان به ودیعه گذاشته است غفلت میکنیم؛ بشر فراموش میکند؛ پیامبران این را به یاد انسانها می‌آورند. وَ يَذْكُرُوهُمْ مَنْسَى نِعْمَتِهِ وَ يَحْتَجُّوْا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِغِ؛ حجت را بر مردم تمام کنند، سخن حق را به گوش آنها برسانند، حقیقت را برای آنها آشکار کنند؛ تبیین، بیان، مهم‌ترین وظیفه‌ی پیغمبران است. دشمنان پیغمبران از جهل‌ها و پرده‌پوشی‌ها استفاده میکنند، از پوشش نفاق استفاده میکنند؛ پیغمبران پوشش جهل و نفاق را میدرند. وَ يُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ؛ گنجینه‌ی خرد را برای بشر بازگشایی کنند؛ پیغمبران برای این آمدند که انسانها را به تعقل وادار کنند، به اندیشیدن وادار کنند، به فکر کردن وادار کنند؛ ببینید چه هدفهای بزرگی است؛ [اهداف] بعثت اینها است. امروز بشر چقدر احتیاج دارد! بعد هم که بازگشایی گنجینه‌های خرد در انسانها انجام گرفت، وَ يُرُوهُمْ آيَاتِ الْمَقْدَرَةِ؛ عقل بشر را هدایت کنند به سمت توحید، به سمت آیات الهی، و آیات قدرت پروردگار را در مقابل چشم آنها قرار بدهند. عقل هدایت نشده، بدون هدایت پیامبران نمیتواند حقیقت را آن‌چنان که هست دریابد؛ پیامبران دست خرد انسانی را میگیرند، او را راهنمایی میکنند و با توانی که خدا در او قرار داده است، این راه دشوار زندگی را طی میکنند، حقایق عالم را برای انسان آشکار میکند. قدرت خرد، خردورزی در انسان مهم است اما با هدایت الهی، با دستگیری خدا. خب، اینها بعثت است.

۵. بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران^۵

شعارهای جهانی، فطری، درخشان و همیشه‌زننده‌ی انقلاب اسلامی

برای همه‌چیز میتوان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزّت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه

^۴ <https://khl.ink/f/33011>

^۵ <https://khl.ink/f/41673>

مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمیتوان مردمی را تصوّر کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی‌گردانی مسئولان از این ارزشهای دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها.

۶. حضور رهبر انقلاب در مراسم افتتاحیه‌ی شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد^۶ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به سخنان یکی از بنیانگذاران جنبش عدم تعهد که مبنای تشکیل این جنبش را، نه وحدت جغرافیایی یا نژادی و دینی، که «وحدت نیاز» خوانده بود، گفتند: امروز نیز با وجود پیشرفت و گسترش ابزارهای سلطه‌گری، این نیاز همچنان پابرجا است.

ایشان با یادآوری آموزه‌های اسلام که فطرت انسان‌ها را با وجود ناهمگونی‌های نژادی و زبانی و فرهنگی، همسان می‌داند، خاطرنشان کردند: این حقیقت تابناک دارای چنان ظرفیتی است که می‌تواند پایه و پشتوانه‌ی تشکیل جوامع آزاد و سرافراز و برخوردار از پیشرفت و عدالت شود و شالوده‌ریز همکاری‌های برادرانه‌ی ملت‌های گوناگون باشد.

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر این که همکاری‌های بین‌المللی بر اساس چنین شالوده‌ای مبنای ارتباطات دولت‌ها بر پایه‌ی منافع سالم و مشترک و منافع انسانی خواهد بود، افزودند: این نظم آرمانی، در نقطه‌ی مقابل نظام سلطه قرار دارد که در قرن‌های اخیر، قدرت‌های سلطه‌گر غربی - و امروز دولت زورگو و متجاوز آمریکا - مدعی و مبلّغ و پیشقراول آن بوده‌اند و هستند.

۷. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان^۷ یک توصیه‌ی دیگر در مورد فعالیت‌های بین‌المللی است. من البتّه قبلاً این را توصیه کرده‌ام؛ یکی دو بار تا حالا توصیه کرده‌ام که دانشجویهای ما، تشکلهای ما، فعالیت‌های بین‌المللی داشته باشند. الان در دنیا گروه‌های جوان دانشجو و غیر دانشجوی زیادی هستند که علیه سیاستهای استکباری، علیه آمریکا، علیه سیاستهای اروپایی و غربی بشدت مشغول فعالیت‌تند؛ در خود اروپا وجود دارند، شاید در آمریکا [هم باشد] - حالا من خیلی از آمریکا خبر ندارم، اما در اروپا گروه‌های زیادی وجود دارند - گروه‌های اسلامی در کشورهای اسلامی هم که معلوم است فراوان هستند؛ با اینها اگر بتوانید ارتباط سالم برقرار کنید، دو فایده دارد: فایده‌ی اوّل این است که به آنها نیرو بدهید و کمک میکنید؛ فایده‌ی دوّم این است که جمهوری اسلامی را به آنها معرفی میکنید؛ یعنی شمای دانشجو، جمهوری اسلامی را به آن گروه دانشجوی مثلاً فرانسوی یا اتریشی یا مثلاً انگلیسی معرفی میکنید که جمهوری اسلامی این است؛ اگر چنانچه این حرکت را انجام بدهید خوب است. من البتّه در این زمینه قبلاً صحبت کرده‌ام و این کار شما علاوه بر اینکه معرفی جمهوری اسلامی است، یک سپر دفاعی برای جمهوری

^۶ <https://khl.ink/f/20872>

^۷ <https://khl.ink/f/50102>

اسلامی هم هست؛ چون علیه جمهوری اسلامی، امپراتوری خبری بشدت فعال است دیگر؛ این در واقع پاسخ آن هم محسوب میشود. اما من روی چند کشور همسایه می‌خواهم تکیه کنم؛ ارتباطات آن را با گروه‌های دانشجویی عراق، افغانستان، پاکستان هر چه میتوانید بیشتر تقویت کنید. اینها آمادگی قلبی و روحی‌شان با شماها خیلی زیاد است و ارتباطات را برقرار کنید.

۸. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین اجلاس مجمع جهانی اهل بیت(ع)^۸

اولین نکته این است که اعضای این مجمع بار سنگینی بر دوش دارند. این جمله‌ی معروف از ائمه (علیهم السلام) که فرمودند «کونوا لنا زینا» که خطاب به همه‌ی ماها است، همه بایستی مراقب باشیم، این نسبت به شما اوکد است؛ اهمیت کار شما ایجاب میکند که این جمله‌ی «کونوا لنا زینا» در مورد این مجمع و مجموعه‌ی این افراد و اشخاص و افراد خود این مجمع بیشتر مورد ملاحظه قرار بگیرد. خب اگر بخواهیم این تحقق پیدا کند، بایستی این مجمع را یک پایگاهی قرار بدهیم برای نشر معارف اهل‌بیت. معارف اهل‌بیت — مهم این نکته است — مخصوص به یک بخشی از مسائل زندگی نیست؛ هر کسی مراجعه کند به کلمات اهل‌بیت، این را تصدیق میکند که معارف اهل‌بیت یک مجموعه‌ی عظیمی است از مسائل کلی، معارف الهی، توحید، عرفان، معنویت، اخلاق، وظایف شخصی و فردی، وظایف خانوادگی، وظایف اجتماعی تا وظایف اداره‌ی کشور و تمدن‌سازی؛ یعنی مجموعه‌ی معارف اهل‌بیت شامل همه‌ی اینها است.

امروز جوامع اسلامی محتاج به همه‌ی اینها هستند. شما هر کدام از کشورهای اسلامی را که ملاحظه کنید خواهید دید که هم به مسائل معرفتی احتیاج دارند، هم به مسائل عملی احتیاج دارند؛ چه در محیط شخصی و در محدوده‌ی شخصی، چه در محدوده‌ی اجتماعات کوچک، چه در مجموعه‌ی تمدنی و سیاسی بزرگ، به این معارف احتیاج دارند. امروز دنیای اسلام احتیاج دارد، نیازمند این معارف است و این یک خلأیی است. شما میتوانید با برنامه‌ریزی دقیق و صحیح و با تلاش مجدانه در سطح دنیای اسلام، با شیوه‌های معقول — امروز ابزارهای تأثیرگذاری هم زیاد است — معارف اهل‌بیت را منتقل کنید به جوامع مختلف؛ هم به نخبگان، هم به آحاد مردم. این یک نکته؛ این یک وظیفه‌ی سنگینی است که بنده تصور میکنم بر دوش این مجمع است.

نکته‌ی بعدی این است که پیروان اهل‌بیت مفتخرند که مهم‌ترین حرکت در مقابله‌ی با نظام استکباری، با نظام سلطه، از سوی اینها انجام گرفته. خیلی شعار داده میشود، [اما] آنچه در عمل روی زمین اتفاق افتاده یک چیز واضح و مشخصی است و آن پرچم جمهوری اسلامی است. شیعه مفتخر است به اینکه در مقابل نظام سلطه ایستاد، سینه سپر کرد، این اراده‌های هفت سری را که در همه‌ی شئون زندگی کشورها و دولتها و ملت‌ها به نحو ظالمانه و جبارانه شرکت میکرد متوقف کرد که امروز خود آنها اعتراف میکنند بسیاری از خواسته‌هایشان به وسیله‌ی جمهوری اسلامی متوقف مانده و تخریب شده؛ این یکی از افتخارات نظام جمهوری اسلامی است و این

^۸ <https://khl.ink/f/50878>

افتخار شیعه است. و این نیست مگر به خاطر الهام‌گیری از بیانات ائمه‌ی هدی (علیهم‌السلام) و اهل‌بیت پیغمبر؛ آنها بودند که ما را به تدبّر در قرآن و الهام‌گیری از قرآن تشویق کردند، تحریص کردند؛ آنها بودند که معارف قرآنی را برای ما تبیین کردند؛ آنها بودند که با سیره‌ی عملی خودشان به ما فهماندند که چه جوری باید عمل کرد؛ از خود امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة و السلام) تا حضرت عسکری (علیه‌الصلاة و السلام).

خب این پرچم جمهوری اسلامی پرچم عدالت و معنویت است؛ یعنی چیز مبهمی اینجا وجود ندارد. پرچم جمهوری اسلامی همان پرچمی است که انبیا برداشتند، ائمه برداشتند. شما در زیارت‌های متعدّد، چه زیارت امام حسین، چه زیارت حضرت رضا (سلام الله علیهما)، به وراثت این بزرگواران از انبیا تصریح میکنید: اَلَسَّلَامُ عَلَیْکَ یا وَاِثْرَ اِبْرَاهِیْمَ خَلِیْلِ اللّٰهِ اَلَسَّلَامُ عَلَیْکَ یا وَاِثْرَ مُوسٰی کَلِیْمِ اللّٰهِ؛ این همان پرچم است، پرچم ائمه است، پرچم انبیا است و نوشته‌ی این پرچم هم همین دو کلمه است: عدالت و معنویت.

توجه بکنید که وقتی شما پرچم عدالت و معنویت را بلند میکنید، طبیعی است در دنیایی که رفتارش مبتنی بر زور است و فکرش مبتنی بر مادّیت است — یعنی درست نقطه‌ی مقابل عدالت و نقطه‌ی مقابل معنویت — عکس‌العمل ایجاد میکند. بعضی‌ها به ما میگویند «شما با فلان حرف، فلان حرکت، فلان تصمیم، دشمن‌تراشی کردید»؛ نه، ما با برافراشتن پرچم جمهوری اسلامی دشمن‌تراشی کردیم، ما با مطرح کردن احکام الهی دشمن‌تراشی کردیم. وقتی شما عدالت را مطرح میکنید، تمدّن و دنیای مبتنی بر سلطه و استکبار قهراً با شما مخالف میشود. وقتی شما معنویت را مطرح میکنید، دنیای مادّی که همه چیزش مبتنی بر مادّیت است و همه‌ی مفاهیم عالم را برمیگرداند به پول، با شما مخالفت میکند؛ چیز طبیعی‌ای است. بنابراین، معارضه و مقابله‌ی دنیای استکبار و دنیای سلطه با حرکت جمهوری اسلامی یک امر طبیعی و قهری است. امروز هم در رأس دنیای سلطه آمریکا است، چیز دیگری نیست؛ با این حرف، تکلیف همه در قبال آمریکا معلوم میشود. امروز دشمنِ فعّال و در رأس جبهه‌ی دشمن، آمریکا است. این هم یک نکته.

یک نکته‌ی مکملی وجود دارد دنبال این نکته‌ی دوّم که عرض کردیم، و آن، این است که امام راحل (رضوان الله تعالی علیه) به همه یاد داد که خطوط فاصل موجود میان آحاد جوامع اسلامی را کنار بگذارند؛ فقط یک خطّ فاصل وجود دارد و آن خطّ فاصل میان ایمان و اسلام از یک طرف و کفر و استکبار از طرف دیگر است؛ این را امام به همه یاد دادند. آن خطوط فاصلی که امام به ما تعلیم دادند که باید کنار بگذاریم، خطوط فاصل فرقه‌ای است، خطوط فاصل قومیتی است، خطوط فاصل نژادی است، خطوط فاصل حزبی است و امثال اینها؛ گفتند اینها را کنار بگذارید. یک خطّ فاصل وجود دارد و آن، خطّ فاصل بین تحقق اسلام و نظام اسلامی و تجسّم سیاسی اسلام است در مقابل نظام سلطه‌ای که در رأسش آمریکا است؛ این خطّ فاصلی است که باید برجسته باشد و امام این را از روز اوّل برجسته کرد؛ نه از روز اوّل انقلاب اسلامی، [بلکه] از روز اوّل نهضت؛ یعنی از آن زمانی که امام این نهضت را شروع کرد؛ پانزده سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی. این عمل امام هم برخاسته‌ی از آیات قرآن است. قَدْ کَانَ لَکُمْ اُسُوَةٌ حَسَنَةٌ فِی اِبْرَاهِیْمَ وَ الَّذِیْنَ مَعَهُ اِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ اِنَّا بُرَآءٌ مِّنْکُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ کَفَرْنَا بِکُمْ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَیْنَکُمُ الْعَدَاوَةُ وَ الْبَغْضَاءُ اَبَدًا حَتّٰی تُؤْمِنُوا بِاللّٰهِ وَحْدَهٗ؛ مستند به این آیه‌ی قرآن. این به معنای آن نیست که هر کس با ما در عقیده مخالف است، ما با او عداوت و بغضاء داریم؛ نه. در

آیهی دیگری که آن هم در سورهی ممتحنه است [میفرماید] «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ»؛ خدای متعال گفته «إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ» تا «أَنْ تَوَلَّوهُمْ». پس مستند توصیهی امام و عمل امام عبارت است از آیات قرآن و نصوص قرآنی؛ در این هیچ تردیدی نیست. یک خطّ فاصل، خطّ فاصل برجسته است و آن مقابلهی بین دنیای اسلام و دنیای کفر و استکبار است؛ بقیهی خطوط فاصل باید کم‌رنگ بشود، باید مورد توجه قرار نگیرد؛ سنی، شیعه، ایران، فلان کشور دیگر، عرب، عجم، رنگ پوست، نژاد چینی و چنان و امثال اینها باید مورد توجه قرار نگیرد.

۹. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی^۹

بعثت حامل گنجینه‌هایی است برای بشر که این گنجینه‌ها تمام‌نشدنی است.

در درجهی اوّل توحید. توحید، همان گنجینه‌ای است که هیچ چیزی به وزانت و اهمّیت آن نمیرسد. چون عبودیت خدا بشر را از بردگی و بندگی دیگران خلاص میکند. گرفتاری بشر این است دیگر؛ گرفتاری بشر، اسیر بودن در چنگ دیگران است؛ در طول تاریخ هم همین بوده؛ این با بندگی خدا از بین میرود. اگر چنانچه انسان به معنای واقعی کلمه بندهی خدا باشد و به معنای واقعی کلمه به توحید که نفی عبودیت غیر خدا است تمسّک کند، از بندگی دیگران خلاص میشود؛ و از این چیزهایی که در تاریخ دیده‌اید، شنیده‌اید؛ قتلها، ظلمها، کشتارها، جنگها و امثال اینها. این یکی از هدایای بعثت است.

تزکیه یک هدیهی دیگر است. «يُزَكِّيهِمْ» که در واقع تزکیه داروی رهایی بشر از فساد است. انواع فسادهای اخلاقی را تزکیه است که از جامعهی بشری و از وجود بشر و از دل انسان میزداید و پاک میکند.

تعلیم کتاب یکی [دیگر] از هدایا است؛ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ؛ تعلیم کتاب. تعلیم کتاب یعنی زندگی را تحت ادارهی هدایت الهی قرار دادن. خدا که مالک و خالق و ربّ همهی اشیاء است، یک راهی را برای زندگی انسان معین کرده تا انسان این راه را برود؛ تعلیم کتاب این است. و حکمت: يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ؛ یعنی جامعه با عقل، با حکمت، با خردمندی، با فرزاندگی اداره بشود. ببینید، اینها همه هدیه‌ها و آورده‌های بعثت خاتم‌الانبیا است. البته بعضی از اینها یا بسیاری از اصول اینها به دیگر پیغمبران شبیهند، شریکند، منتها خب این، نوع کامل آن است. یک هدیهی دیگر، که واقعاً گنجینه‌ای است و جزو گنجینه‌هایی است که در بعثت وجود دارد، تعلیم استقامت است که استقامت، راز و رمز رسیدن به مقصود است. شما هر مقصودی دارید — مقصود دنیوی، مقصود اخروی — با ایستادگی، با استقامت، با پیگیری ممکن است به آن برسید؛ بدون آن نمیشود به این رسید. فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ؛ قرآن این [دستور] را به ما داده، بعثت این گنجینه را در اختیار ما گذاشته؛ یاد بگیریم و بدانیم باید چه کار بکنیم.

^۹ <https://khl.ink/f/52025>

گنجینه‌ی بی‌نظیر قسط، عدالت بدون تبعیض، چه در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، چه در زمینه‌ی مسائل بشری و به طور کلی عدالت اجتماعی؛ این هم یکی از گنجینه‌هایی است که بعثت به ما داده. زندگی را با «قسط» مدیریت کنید. لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ خود بشر بتواند زندگی‌اش را با قسط اداره کند؛ اصلاً پیغمبرها آمده‌اند تا بشر را در این راه قرار بدهند، یادش بدهند.

یکی از گنجینه‌های بسیار مهمی که متأسفانه مورد توجه قرار نمی‌گیرد، سخت بودن و غیر قابل نفوذ بودن در مقابل بدخواهان است. یکی از ضربه‌هایی که جوامع بشری می‌خورند، از ناحیه‌ی نفوذ دشمنانشان است، که این در آیه‌ی «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» وجود دارد. «أَشِدَّاءُ» به معنای شدت عمل نیست. «أَشِدَّاءُ» به این معنا که ما در فارسی [به آن] شدت عمل می‌گوییم، نیست؛ «أَشِدَّاءُ» یعنی سخت بودن، محکم بودن، غیر قابل نفوذ بودن؛ این معنای «أَشِدَّاءُ» است. أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ؛ نگذارید در جامعه‌ی شما نفوذ پیدا کنند. معنای نفوذ دشمن، نفوذ بیگانه و بدخواه این است که شما از خودتان اختیاری ندارید؛ او می‌آید و در جامعه‌ی شما، مثل انسان بی‌هوشی که هرچه می‌خواهند به او تزریق می‌کنند، تصرف می‌کند. شما می‌توانید با اختیار خودتان ارتباطات خوب، مرتب، منظم، منطقی، عاقلانه داشته باشید؛ این خوب است.

یا مهربانی و محبت و صفا و صمیمیت بین افراد جامعه. این «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» هم یکی از همان گنجینه‌ها است، که زندگی در جامعه با رحم و مروت و مانند اینها [همراه باشد]. یا انسان از طغیانگران و اشرار عالم کناره بگیرد، با آنها همراهی نکند: اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ که اجتناب از طاغوت در قرآن به ما تعلیم داده شده؛ این یکی از همان گنجینه‌ها است که همیشه میشود از آن استفاده کرد و زندگی را درست حرکت داد. یا رها شدن از زنجیر جهل و تعصب و جمود و توقف و مانند اینها: وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ. هزاران گنجینه‌ی ممتاز از این قبیل در قرآن هست؛ در تعلیم اسلام هست، در بعثت هست؛ اینها را بعثت به ما داده و برای ما آورده.

بعضی از ما مسلمانها این گنجینه‌ها را اصلاً نمی‌شناسیم؛ بعضی از ما آن را انکار می‌کنیم، کفران می‌کنیم این هدیه‌های عظیم الهی را؛ بعضی از ما به آنها افتخار می‌کنیم منتها عمل نمی‌کنیم؛ این [جوری] است دیگر. نتیجه چه میشود؟ نتیجه این است که دنیای اسلام دچار تفرقه، دچار عقب‌ماندگی، دچار ضعف علمی و عملی میشود؛ نتیجه‌اش این است. در یک دوره‌ای مسلمانها با عمل کردن نصفه‌نیمه به این گنجینه‌های عظیم — نه عمل کردن کامل — توانستند بزرگ‌ترین تمدنهای زمان خودشان را ایجاد کنند، تولید کنند؛ در قرن سوم و چهارم هجری [قمری]، در همه‌ی دنیا، روی کره‌ی زمین هیچ حکومتی، هیچ قدرتی، هیچ ملّتی به پیشرفتگی امت اسلامی نبود، وجود نداشت؛ با اینکه میدانیم آن وقت هم نصفه‌نیمه عمل میشد؛ افرادی که سر کار بودند، افراد درستی، افراد مطلوب و کاملی نبودند اما همان هم تأثیر داشت. ما میتوانیم با رجوع به این گنجینه‌های هدیه‌شده‌ی از سوی بعثت به خودمان، ضعفهای دنیای اسلام را برطرف کنیم؛ چه آن گنجینه‌هایی که مربوط به معارف اسلامی است، چه آنهایی که مربوط به احکام اسلامی است، چه آنهایی که مربوط به اخلاق اسلامی است. این [جوری] است.

راه‌حلّ همه‌ی این مشکلات، برگشت به اسلام است؛ اتحاد ملّتهای اسلامی، همدلی ملّتهای اسلامی، همکاری دولتهای اسلامی به معنای واقعی کلمه نه به شکل صوری؛ به معنای واقعی کلمه همکاری کنند، همدلی کنند؛ و

همه‌ی اجزای امت اسلامی احتیاج دارند به اینکه با هم همکاری کنند. مشکلات پیش می‌آید. الان شما ملاحظه کنید این زلزله‌ی ویرانگری که در سوریه و در ترکیه پیش آمده، خبر این یک حادثه‌ی سختی است؛ این مربوط به همه‌ی مسلمین است؛ یعنی واقعاً همه باید از یک چنین چیزهایی احساس درد کنند، احساس رنج کنند؛ منتها این در مقابل مسائل سیاسی مثل مسئله‌ی فلسطین، مثل دخالت‌های آمریکا در کشورهای مختلف منطقه، در سوریه، در جاهای دیگر چیز کوچکی است، اما در عین حال حادثه‌ی مهمی است.

۱۰. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن^{۱۰}

یک جمله در مورد مسئله‌ی استضائه‌ی از قرآن عرض کنم. این قرآنی که شما تلاوت میکنید، کتاب هدایت است: *إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ*؛ همه به هدایت احتیاج داریم. کتاب ذکر است و «ذکر» یعنی ازاله‌ی غفلت؛ ما غالباً دچار غفلتیم؛ آحاد بشر غالباً معلومات خودشان را هم از یاد می‌برند و دچار غفلت میشوند؛ قرآن کتاب ذکر است، ضد غفلت و مُزِيل غفلت است؛ فرمود: *وَلَقَدْ يَسْرَنَّا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ*. قرآن کتاب انداز است: *وَ أَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرْكُمْ بِهِ*؛ احتیاج داریم به انداز، که توجه بدهند ما را به خطراتی که تهدید میکند آحاد بشر را، چه در این نشئه و چه در نشئه‌ی بعد که زندگی حقیقی است. کتاب درمان دردهای بشر است؛ چه دردهای افراد بشر [مانند] دردهای معنوی و روحی و فکری‌شان، چه دردهای جوامع بشری [از قبیل] جنگها، ظلمها، بی‌عدالتی‌ها؛ قرآن درمان اینها است: *وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ*. قرآن کتاب حکمت است: *يَس * وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ*؛ «حکمت» یعنی بیان حقایق زندگی که انسان به آنها احتیاج دارد. قرآن کتاب تبیین و رفع ابهامها و جهالتها است، مکرر هم «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ» در قرآن تکرار شده است. کتاب مجید است، کتاب کریم است، کتاب نور است، کتاب برهان است؛ این قرآن است. اینها توصیف قرآن در خود قرآن است؛ قرآن را خود قرآن به ما معرفی میکند و توصیف میکند قرآن را.

در کلام امیرالمؤمنین (علیه الصّلاه و السّلام) — که شاگرد برجسته‌ی قرآن و پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلّم) است — تعبیرات بلندی در نهج‌البلاغه درباره‌ی قرآن وجود دارد. *رَبِيعُ الْقُلُوبِ*؛ بهار دلها است؛ همچنان که در بهار، عالم زنده میشود، زمین زنده میشود، قرآن دلها را زنده میکند و از دل‌مردگی، افسردگی و عقب‌رفت نجات میدهد؛ *رَبِيعُ الْقُلُوبِ*؛ شفاء الصدور؛ *فِيهِ عِلْمٌ مَا يَأْتِي*؛ دواء دَائِكُمْ وَ نَظْمٌ مَا بَيْنَكُمْ. اینها تعبیرات نهج‌البلاغه درباره‌ی قرآن است؛ یعنی معارف تمام‌نشدنی مورد نیاز بشر، در قرآن موجود است؛ چه معارفی که مورد نیاز بشر به عنوان فرد است، چه معارفی که مورد نیاز بشر به عنوان جامعه‌ی بشری است. این عبارت «*عِلْمٌ مَا يَأْتِي*» که از نهج‌البلاغه خواندیم، یعنی برآورنده‌ی نیازهای همه‌ی بشر و همه‌ی آینده؛ *عِلْمٌ مَا يَأْتِي*. در تمام ادواری که بشر در این کره‌ی خاکی زندگی میکند، قرآن نیازهای او را تأمین میکند و پاسخ میدهد؛ «*عِلْمٌ مَا يَأْتِي*» یعنی این.

¹⁰ <https://khl.ink/f/55320>

دوای دردهای بزرگ جوامع بشری است. وَ نَظَمَ مَا بَيْنَكُمْ؛ نظام اجتماعی، ارتباطات بشری، ارتباطات جوامع، اینها همه در قرآن است. قرآن را بشناسیم.

متأسفانه در خود دنیای اسلام، یک عده‌ای بودند و هستند که تصوّر میکنند و باور کرده‌اند که قرآن فقط برای دلها است، برای کنج معابد است و انسانها برای نیازها و ارتباطات شخصی‌شان با خدا به قرآن احتیاج دارند؛ اسلام پاسخگوی به نیازهای جوامع را قبول ندارند، اسلام سیاسی را قبول ندارند، اسلام سازنده‌ی نظام اجتماعی را قبول ندارند. این درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که خود قرآن از خود تبیین میکند و نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره‌ی قرآن توصیف میکند.

خب، اینها معارف قرآنی است؛ این معارف را چه جوری به دست بیاوریم؟ با انس با قرآن، با تدبّر در قرآن، با رجوع به آنانی که قرآن در خانه‌ی آنها نازل شده است، [یعنی] اهل بیت رسول الله (علیهم الصّلاه و السلام)؛ با استفاده‌ی از اینها میشود این معارف را به دست آورد و از آنها استفاده کرد و زندگی را بر اساس آنها ساخت. تلاوت شما – این کار رایج بین قرآن‌دوستان در کشورهای اسلامی که بحمدالله در کشور ما هم رواج خوبی پیدا کرده است – یکی از گامهای مؤثر برای انس با قرآن و برای فهم معارف قرآن است. ارزش والای تلاوت قرآن برای این است که مخاطب شما را وادار به تدبّر در آیات قرآن و در مفاهیم قرآن میکند، معارف قرآن را برای او روشن میکند. البته شرطش این است که این تلاوت به قصد نشان دادن قرآن باشد، نه نشان دادن خود. متأسفانه بسیاری در دنیای اسلام با قرآن انس ندارند. این شکایت رسول مکرّم به خدای متعال که «وَ قَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»، امروز در بسیاری از بخشهای دنیای اسلام تحقق دارد و یک واقعیت تلخی است.

۱۱. بیانات در دیدار روحانیان و مبلغان در آستانه‌ی ماه محرم^{۱۱}

تبلیغ یعنی چه؟ تبلیغ یعنی رساندن؛ باید برسانید. به کجا؟ به گوش؟ نه؛ به دل. بعضی از تبلیغ‌های ما حتی به گوش هم درست نمیرسد! گوش حتی آن را تحمل و منتقل نمیکند! گوش که گرفت، میدهد به مغز؛ قضیه این جا نباید تمام بشود، بلکه باید بیاید در دل نفوذ و رسوخ کند و به هویت ما هویت مستمع – تبدیل شود. تبلیغ برای این است. ما تبلیغ نمیکنیم فقط برای این که چیزی گفته باشیم؛ ما تبلیغ میکنیم برای این که آنچه را که موضوع تبلیغ است، در دل مخاطب وارد شود و نفوذ کند. آن چیست؟ آن، همه‌ی آن چیزهایی است که در اسلام به عنوان ارزش، مورد حمایت جان و حرم و ناموس حضرت ابی‌عبدالله (علیه‌السلام) قرار گرفت، که همه‌ی پیغمبران و اولیای الهی دیگر و وجود مقدس رسول‌الله هم همین‌طور عمل کردند، که البته مظهرش حسین بن علی (علیه‌السلام) است. ما میخواهیم منطق دین، ارزش‌های دینی، اخلاق دینی و همه‌ی چیزهایی را

^{۱۱} <https://khl.ink/f/3329>

که در بنای یک شخصیت انسانی بر مبنای دین تأثیر دارد، تبلیغ کنیم؛ برای این که مخاطب ما به همین شخصیت دینی تبدیل شود.

..... آیات قرآن را ملاحظه کنید! «انسان سازی» هدف این تبلیغ است و این، یکی از بزرگترین کارهاست.

۱۲. بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون^{۱۲}
۲۲/۰۹/۱۳۸۸

... مسئله‌ی تبلیغ دین است؛ تبلیغ به معنای حقیقی کلمه؛ رساندن پیام، روشن کردن فضا؛ ابعاد مسئله‌ی تبلیغ را این جوری میشود فهمید که چقدر مهم است.

میخواهیم عرض بکنیم تبلیغ باید جریان ساز باشد، تبلیغ باید گفتمان ساز باشد، تبلیغ باید فضا ایجاد کند؛ گفتمان ایجاد کند. گفتمان یعنی یک مفهوم و یک معرفت همه گیر بشود در برهه‌ای از زمان در یک جامعه. آنوقت، این میشود گفتمان جامعه. این، با کارهای جدا جدای برنامه ریزی نشده، حاصل نخواهد شد؛ این کار احتیاج دارد به برنامه ریزی و کار فعال و مثل دمیدن پیوسته‌ی در وسیله‌ی فشاری است که میتواند آب یا مایه‌ی حیات یا هوا را به نقاط مختلفی که مورد نظر است، برساند. باید دائم با این دم دمید، تا این اشتعال همیشه باقی بماند. این کار هیچ نباید متوقف بشود و به برنامه ریزی احتیاج دارد.

۱۳. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون^{۱۳}

تبلیغ به این شکلی که در میان ما معمول است، امر خیلی بدیعی است. حقیقتاً هیچکدام از روشهای تبلیغی، هنری، وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها، جای این تبلیغ را نمیگیرد. نمیخواهم عرض کنم که این تبلیغ مغنی از آنهاست؛ لیکن آنها هم مغنی از این تبلیغ و از این سبک و این روش نیست.

این تبلیغ دارای سه رکن اصلی است که من مختصراً عرض میکنم: یک رکن، منشأ این تبلیغ است؛ یک رکن، هدف این تبلیغ است؛ یک رکن، ابزار و وسایل و شیوه‌های این تبلیغ است.

منشأ این تبلیغ چیست و چه باید باشد؟ منشأ این تبلیغ باید فکر، اندیشه، خردمندی، اخلاص و معنویت باشد؛ یعنی تبلیغ باید از یک منبع نورانی سرچشمه بگیرد. اگر این تبلیغ از روی هوای نفس شد، براساس انگیزه‌های ناسالم شد، از روی بی اعتنائی به اصل کار شد و آن منشأ را نداشت، تأثیر آن هم تأثیر آن سرچشمه فیاضی نخواهد بود که از یک منشأ عزیز و پُر بار حقیقی سرچشمه میگیرد و میریزد؛ منقطع و ناسالم و آلوده خواهد شد. منشأ باید هم فکر و اندیشه و مطالعه و تأمل و تدبّر باشد و هم اخلاص و نصیح و علاقه به مخاطب که برای او تبلیغ میکنیم.

¹² <https://khl.ink/f/8513>

¹³ <https://khl.ink/f/2867>

هدف باید «صراط الله» باشد؛ «صراط الله العزيز الحميد»، «آنک علی صراط مستقیم»، «ادع الی سبیل ربک». هدف تمام پیامبران، کشاندن مردم به صراط مستقیم است و صراط مستقیم هم یعنی عبودیت؛ «و ان اعبدونی هذا صراط مستقیم». باید مردم را به عبودیت الهی که همان صراط مستقیم است، سوق دهید. البته این عبودیت، در زمینه اخلاق، در زمینه عمل فردی و در زمینه عمل اجتماعی کاربرد دارد، که وقتی بحث عمل اجتماعی پیش آمد، آن وقت بحثهای سیاسی، تحلیل‌های سیاسی - تبیین سیاسی - هم در حوزه کار شما قرار میگیرد.

عامل سوم، عبارت از روش است. روشها خیلی مهم است. در همین آیه مبارکه «ادع الی سبیل ربک بالحکمة»، روش را بیان فرموده است. سخن حکمت‌آمیز، یعنی سخن محکم، سخن غیرمشتبه، سخن غیرموهون و غیر ضعیف. حکمت، همه اینها را دارد. سخن حکیم است، یعنی هم حکمت‌آمیز است، هم مستحکم است، هم در مقابل متشابه است؛ «بالحکمة والموعظة الحسنه و جادلهم بالتي هي احسن». گفتگو، مذاکره، با ذهنها مواجه شدن، مخاطب قراردادن دلها و ذهنها، با لسان مبین و با روش برادرانه حرف زدن، بسیار بسیار مهم است.

گاهی یک نیاز تبلیغی در جامعه وجود دارد، آحاد هم به آن توجه ندارند؛ ولی شما میدانید که این نیاز هست. مثلاً شما تبلیغات دشمن را گوش کردید، دیدید که دشمن متمرکز و متوجه به چیست؛ میفهمید که باید این را مورد توجه قرار دهید و ازاله پلیدی و دفن تبلیغات کذب دشمن را بکنید؛ در حالی که ممکن است خود آن مخاطبان به آن توجه نداشته باشند. این میشود رفع نیاز.

عزیزان من! یکی از خدمت‌هایی که دشمنان ما به ما میکنند، همین است که به ما نشان میدهند در تبلیغ روی چه نقاطی باید متمرکز شویم.

اول، اختلاف و دوئیت و تفرقه است؛ همان داستان قدیمی «تفرقه بینداز، حکومت کن»؛ همان درد و بلای عمده‌ای که از قدیم در جان ملتها میافتاده است. درصدد تفرقه ایجاد کنند، یا اگر هرچه تلاش کردند دیدند نمیتوانند تفرقه ایجاد کنند، شایعه تفرقه بیندازند.

نقطه دوم، تیره‌وتار و مبهم جلوه دادن آینده است. سعی دشمن این است که نشان دهد آینده مبهم و تیره‌وتار است و معلوم نیست که چه خواهد شد و به کجا میرسند. وظیفه مبلغ دین و مبلغ معنویت و پیام‌آور حقیقت این است که مردم را امیدوار کند و یأس را از آنها بزداید. یأس، بزرگترین دشمن یک ملت است. باید تلاش گردد که یأس از مردم زدوده شود.

۱۴. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون^{۱۴}

باید عمده تبلیغ در جهت خاضع کردن دلها در مقابل اراده الهی و تسلیم در مقابل خدای متعال باشد. این، مهمترین کار است. تسلیم در مقابل خدای متعال، مقدمه همه خیرات و برکات است. این که باشد، آن وقت دلی که آگاه از حوادث جاری دنیا است، تکلیف را برای صاحب خود معین میکند.

¹⁴ <https://khl.ink/f/2702>

۱۵. بیانات در دیدار مسؤولان سازمان تبلیغات اسلامی سراسر کشور^{۱۵}

دین اسلام، دین تبلیغ است. درست است که ما در دین مقدس اسلام، برای پیشبرد هدفهای الهی و اسلامی، جهاد و شمشیر را داریم، اما اصل بر تبلیغ و تبیین است؛ یعنی اساس اسلام این است. جهاد، یک فلسفه‌ی دیگر دارد. جهاد برای مقابله با قلدران و ستمگران و موانع تبلیغ و موانع گسترش نور اسلام است؛ اما آن‌جا که چنین مانعی وجود ندارد، یا حتی در آن‌جا که این مانع هم هست و جهاد امکان‌پذیر نیست، راه اساسی اسلام، دعوت و تبلیغ است.

«ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن» پایه‌ی پیشرفت دعوت، اینهاست: اولاً، حکمت؛ یعنی کلامی که گفته می‌شود، باید حکیمانه باشد. حکمت این است: حرف درست، با ساختار تبیینی دارای اتقان. این حکمت است. بعد، «و الموعظة الحسنه». **موعظه**، غیر از حکمت است. موعظه این است که این کار را نکنید، این کار را نکنید؛ از خدا بترسید، از جهنم بترسید، به بهشت رغبت پیدا کنید؛ مرگ هست، سؤال منکر و نکیر هست؛ خوبی مطلوب خداست؛ دشمنی مبغوض خداست؛ سماحت خوب است؛ بخل بد است. اینها موعظه است؛ یعنی نظر به عمل مخاطب شماست؛ چه عمل جسمانی، چه عمل عقلانی. اینها موعظه است؛ آن هم موعظه‌ی حسنه. باید زبانمان، زبان موعظه باشد، بعد هم مجادله.

البته مجادله هم باید «بالتی هی احسن» باشد؛ مجادله‌ی بد نباشد. جدال صحیح؛ جدال به احسن. اینها پایه‌های تبلیغ است. این کارها را که ما همیشه می‌کردیم. از هزار و چهارصد سال پیش تا به حال، چه وقت مسلمین تبلیغ نمی‌کردند؟ شما ببینید آفاق عالم را تبلیغ اسلام گرفته است. امروز در منطقه‌ی شرق ایران هرچه شما جلوتر بروید، بیشتر مسلمین، مسلمین به موعظه و تبلیغ و به دعوتند تا به شمشیر.

۱۶. بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی^{۱۶}

تبلیغ یعنی چه؟ یعنی رساندن. رساندن چه؟ رساندن یک پیام، یک سخن درست؛ این معنای تبلیغ اسلامی است؛ منتها شرط این تبلیغ این است که صادقانه باشد، صمیمانه باشد، امانت‌دارانه باشد، مسئولانه باشد؛ این معنای تبلیغ است؛ درواقع کار با عظمتی که شما انجام می‌دهید، این است. در حکومت‌های مادی - عمدتاً در غرب - هم تبلیغ هست؛ [به اصطلاح] پروپاگاندا که این با آن، به‌طور مبنایی و اصولی متفاوت است. پروپاگاندا برای کنترل کردن افکار عمومی مردم است، در جهت دست یافتن به قدرت، به منفعت، به پول است. غربی‌ها انصافاً در این قضیه، ورودشان هم خوب است، خیلی بلدند. تبلیغات به معنای غربی - پروپاگاندا - غربی - را خیلی خوب بلدند؛ پول درمی‌آورند، به قدرت میرسند. با چه [کاری]؟ با کنترل افکار عمومی مردم. [اما] تبلیغ اسلامی مسئله‌اش این نیست؛ تبلیغ اسلامی عبارت است از تفاهم با مردم؛ بحث کنترل نیست، بحث تفاهم است؛ ذهنها

^{۱۵} <https://khl.ink/f/758>

^{۱۶} <https://khl.ink/f/38575>

را به سمت یک هدف عالی و والایی متوجه کردن و ذهنها را به هم نزدیک کردن. اثر این تفاهم چیست؟ اثر تفاهم این است که مردم در جهت کارهای اساسی و خیر، خودشان مسئولانه وارد میشوند؛ این [طور] است. در تبلیغ اسلامی، بحث قدرت‌یابی نیست، بحث دست یافتن به پول نیست [بلکه] بحث آوردن مردم در مقام مسئولیت است؛ خودشان احساس مسئولیت میکنند، خودشان وارد میشوند و قهراً نتیجه‌ای که بر این حرکت مردمی عظیم مترتب شد، منافعش هم متوجه خود مردم خواهد شد. این معنای تبلیغ است؛ بنابراین بکلی متفاوت است با آن کاری که غربی‌ها میکنند. در آن پروپاگاندای غربی، فریب افکار عمومی اشکالی ندارد، بازیگری اشکالی ندارد، رفتارهای هنرپیشه‌وار اشکالی ندارد، دروغ گفتن اشکالی ندارد. هرچه انسان را به آن نتیجه‌ی مادی برساند، در پروپاگاندای غربی جایز است؛ [اما] در تبلیغ اسلامی ابدأً. در تبلیغ اسلامی صداقت، امانت‌داری، احساس مسئولیت و مانند اینها لازم است. خب، این [درباره‌ی] اصل مسئله‌ی تبلیغ.

تبلیغ میدان جنگ است. تبلیغ یعنی مواجهه‌ی با دشمن؛ تبلیغ درست، یعنی سینه‌به‌سینه شدن با دشمن حقیقت، با ظلم و با ظلمات؛ این، معنای تبلیغ است؛ این، حقیقت تبلیغ است.

۱۷. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم^{۱۷}

بزرگ‌ترین تبلیغ اسلام شاید همین باشد که ما چهره‌ی پیغمبر اسلام را برای بینندگان و جویندگان عالم روشن کنیم. و بسیار بجا است که قبل از آنکه دشمنان و مخالفان با روشهای فرهنگی پیچیده‌ی خودشان و با شیوه‌های هنری، چهره‌ی آن بزرگوار را در اذهان مردم بی‌خبر عالم مخدوش کنند، مسلمانان عالم، مسلمانان هنرمند، مسلمانان مطلع و وارد به شیوه‌های گوناگون بیان و تبلیغ و تبیین، راجع به آن شخصیت معظم و مکرم کار علمی بکنند، کار فرهنگی بکنند، کار هنری بکنند، کار تبلیغی بکنند؛ اینها کارهای لازمی است.

۱۸. بیانات در دیدار روحانیون استان سمنان^{۱۸}

مسئله دیگر، مبارزه‌ی با خرافات است. در کنار ترویج و تبلیغ معارف اصیل دینی و اسلام ناب، باید با خرافات مبارزه کرد. کسانی دارند روزبه‌روز خرافات جدیدی را وارد جامعه‌ی ما میکنند. مبارزه‌ی با خرافات را باید جدی بگیرید.

^{۱۷} <https://khl.ink/f/2204>

^{۱۸} <https://khl.ink/f/8841>